

# Ii

Icon تصویر - شکل

Icosa بیست

Icosahedron بیست وجهی

Icosi  
پیشوندی به معنی بیست و بیست تایی

Idea انگاره - تصور - اندیشه

Ideal

ایده آل - زیر مجموعه 'I' از حلقه 'R'  
( $R, +, \times$ ) را ایده آل R گوئیم هرگاه  
I زیر گروه جمعی R بوده و داشته باشیم:

(ایده آل راست)  $\forall i \in I, r \in R \quad r \times i \in I$

(ایده آل چپ)  $\forall i \in I, r \in R \quad r \times i \in I$

Idealize

به صورت ایده آل درآوردن - دلخواه سازی

Idealizer ایده آل ساز

Ideal line

خط ایده آل - خط فرضی که هر نقطه آن  
یک نقطه ایده آل است.

Idea of the proof نحوه اثبات

Ideal point

نقطه ایده آل - نقطه فرضی که روی تمامی  
خطوط یک دسته خطوط موازی قرار دارد.

Ideal spanned by a set

ایده آل بوجود آمده توسط یک مجموعه

Ideal theory

نظریه ایده آلها - شاخه ای از جبر که به  
مطالعه خواص ایده آلها می پردازد.

Ideate تصور کردن

Idem factor

عامل بی اثر - تانسور مرتبه دوم  
 $I = ii + jj + kk$  که ضرب اسکالر آن در  
هر بردار برابر همان بردار است.

Idempotence خودتوانی

Idempotent خود توان

Idempotent law

قاعده خودتوانی - قاعده ای که بیان  
می کند عنصری مانند x از یک دستگاه  
جبری در رابطه  $x^2 = x$  صدق می کند.

Idempotent matrix

ماتریس خودتوان - ماتریس (مربع) E  
را خودتوان گوئیم هرگاه  $E^2 = E$ .

Ident

تعیین هویت کردن - تشخیص دادن -  
تطبیق دادن - تطبیق

Idented	بیهوده	Idle
مشخص شده - تعیین هویت شده	چرخ هرزه گرد	Idler
Identic		le = that is
مانند - همان		یعنی ( مخفف کلمات یونانی Id est )
Identical		If and only if
مانند - همان		اگر و تنها اگر
Identical figures		If clause
اشکال همانند		عبارت شرطی - جزء شرطی جمله
Identically		Iff
عیناً - بطور یکسان		اگر و تنها اگر
Identification		If statement
تشخیص - تعیین هویت		عبارت شرطی
Identify		If.... then
تشخیص دادن - تعیین هویت کردن - همانند کردن - همانند شدن		اگر... آنگاه
Identity		Ignore
اتحاد - همانندی - همانی		چشم پوشی کردن - نادیده گرفتن
Identity element		Illustrate
عضو خنثی - عضوبی اثر - گوئیم $e$ عضو خنثی دستگاه جبری $(S, \circ)$ است هرگاه به ازاء هر $g \in S$ ، $g \circ e = e \circ g = g$ .		با مثال توضیح دادن - مصور کردن
Identity function		Illustration
تابع همانی - تابع $I_X: X \rightarrow X$ ، تابع همانی مجموعه $X$ نامیده می شود هرگاه :		مثال - تصویر
$I_X(x) = x \quad (\forall x \in X)$		Illustrative
Identity matrix		روشنگر - گویا - توضیح دهنده
ماتریس همانی - ماتریس مربعی که درآینه های قطر اصلی آن یک و سایر درآینه هایش صفر می باشند .		Image
Identity of a group		تصویر - تصویر کردن
عضو خنثی گروه - گوئیم $e$ عضو خنثی گروه $(G, \circ)$ است هرگاه :		Image of $x$ under $F$
$g \circ e = e \circ g = g \quad (\forall g \in G)$		تصویر $x$ تحت $F$
Identity operator		Imaginary
عملگر همانی - تابع همانی		موهومی - تصویری - انگاری
Identity operation		Imaginary axis
عمل همانی		محور موهومی - محور مختصات عمودی در صفحه مختلط - مجموعه اعداد مختلط $x + iy$ که در آن $x = 0$ .
		Imaginary circle
		دایره موهومی - دایره ای که دارای شعاع موهومی باشد مثلاً " دایره " :
		$(x - a)^2 + (y - b)^2 + R^2 = 0$
		Imaginary number
		عدد موهومی - عدد مختلطی به صورت $a + bi$ که در آن $b \neq 0$ .

Imaginary part	بی کرانی - زیادی	Immensity
قسمت موهومی - قسمت موهومی عدد مختلط		Immersion
$z = x + iy$ که آنرا به $I_0(z)$ نمایش می دهند و عدد حقیقی $y$ است.	شناوری - غوطه وری - فرض می کنیم $X$ و $Y$ دو فضای توپولوژیک باشند، گوئیم $f: X \rightarrow Y$ یک غوطه وری است، هرگاه برای هر $x \in X$ وجود داشته باشد یک همایگی $N$ از $x$ چنانکه $f$ یک همانسانی از $N$ بر روی $f(N)$ باشد.	
Imaginary part of a complex number	بیش از حد - افراطی	Immoderate
جزء موهومی یک عدد مختلط	تغییر ناپذیری	Immutability
Imaginary point	تغییر ناپذیر	Immutable
نقطه موهومی	بطور تغییر ناپذیر	Immutably
Imaginary quantity	نقص	Imperfection
کمیت موهومی	بطور ناقص	Imperfectly
Imaginary roots		Impermeable
ریشه های موهومی	ناتراوا - غیر قابل نفوذ	
Imaginary unit	انجام دادن - فراهم نمودن	Implement
یکه موهومی - واحد موهومی - عدد مختلط	انجام - اجرا	Implementation
$i = (0, 1)$ را که $i^2 = -1$ است یکه موهومی می نامند.	استلزام - ايجاب - ضرورت - رابطه ای منطقی بین دو گزاره $P$ و $Q$ که معمولاً به صورت "اگر $P$ آنگاه $Q$ " بیان می شود.	Implication
Imagination	ضمنی	Implicit
تصور - قدرت خلاق - قدرت مقابله با مسائل		Implicit function
Imaginative	تابع ضمنی - اگر $y$ بعنوان تابعی از $x$ به وسیله معادله ای به صورت $f(x, y) = 0$ تعریف شود، آنگاه $y$ را یک تابع ضمنی از $x$ می گویند.	
فرضی	Implicit function theorem	
Imaginatively	قضیه تابع ضمنی - فرض می کنیم تابع	
تصوراً - بطور تصویری		
Imagine		
تصور کردن - انگاشتن		
Imbed		
نشان دادن - خواباندن		
Imbedding		
نشان دادن - نشان دادن یک همسانی از یک فضای توپولوژیک به زیر فضائی از فضای توپولوژیک دیگر.		
Immaterial		
غیر مادی - ناچیز - جزئی		
Immeasurable		
اندازه ناپذیر		
Immediate		
فوری - بلافاصله - بلافاصل		
Immediate predecessor		
مقدم بلافاصل		
Immediate successor		
تالی بلافاصل		
Immense		
بی اندازه - بی کران		
Immensely		
بطور بی اندازه - خیلی		

$f: R^m \times R^m \rightarrow R^m$  در یک مجموعه، باز شامل  $(a, b)$  بطور پیوسته مشتق پذیر بوده و  $f(a, b) = 0$ . حال اگر ماتریس  $m \times m$

$$\left[ \frac{\partial^{a+i}}{\partial x^{a+i}} f_i(a, b) \right] \quad (1 \leq i, j \leq m)$$

نامفرد باشد،  $T$  نگاه مجموعه های باز  $A \subseteq R^m$  و  $B \subseteq R^m$  به ترتیب شامل  $a$  و  $b$  موجودند بطوریکه به ازاء هر  $x \in A$  عنصر منحصر بفرد  $g(x) \in B$  موجود است که  $f(x, g(x)) = 0$ . بعلاوه تابع  $g$  مشتق پذیر است.

Implicit relation      رابطه، ضمنی

Imply      ایجاب کردن

Important      مهم - قابل ملاحظه - چشمگیر

Important identity      اتحاد مهم

Impossibility      عدم امکان

Impossible

ناممکن - غیر ممکن - محال - مستع

Improbability      عدم احتمال

Improbable      غیر محتمل - بعید

Improper      ناویژه - ناسره

Improper fraction

کسر نعا - کسری که صورتش از مخرجش کمتر نباشد.

Improper transformation

تبدیل ناویژه - تبدیل  $P$  را متعامد

بی نامیم هرگاه  $PP^T = I$  ( $P^T$  ترانپاده  $P$

است) تبدیل متعامد  $P$  را ناویژه گویند

هرگاه:  $\det P = -1$

Improve

پیشرفت کردن - بهتر کردن و بهتر شدن

Improvement      پیشرفت - بهبود

Impulse      تحریک - برانگیزش

Impure      ناخالص

Impurity      ناخالصی

In      در - درون

Inaccessible      غیر قابل دسترس

Inaccordance with      به موجب

Inaccuracy      عدم دقت - بی دقتی

Inaccurate      نادرست - غیر دقیق

Inaccurately      بدون دقت

Inaddition to      بعلاوه

Inadequacy

نارسائی - بی کفایتی - عدم تکافو

Inadequate      ناکافی

Inalienable      انتقال ناپذیر

Inalienably      بطور انتقال ناپذیر

Inappreciable      ناچیز - بی بها

Incalculability      محاسبه ناپذیری

Incalculable

محاسبه نشدنی - غیر قابل محاسبه

Incandescence      افروختگی - گداختگی

Incandescent

فروزان - گداخته - تابان

Incenter

مرکز دایره، محاطی داخلی مثلث - مرکز

کره، محاطی داخلی چهار وجهی

Incenter of triangle

مرکز دایره محاطی داخلی مثلث

Inch

اینچ - واحد طول انگلیسی که تقریباً

۲/۵۴ سانتی متر است.

Incidence

حدوث - وقوع - برخورد - تلاقی

Incidence matrix

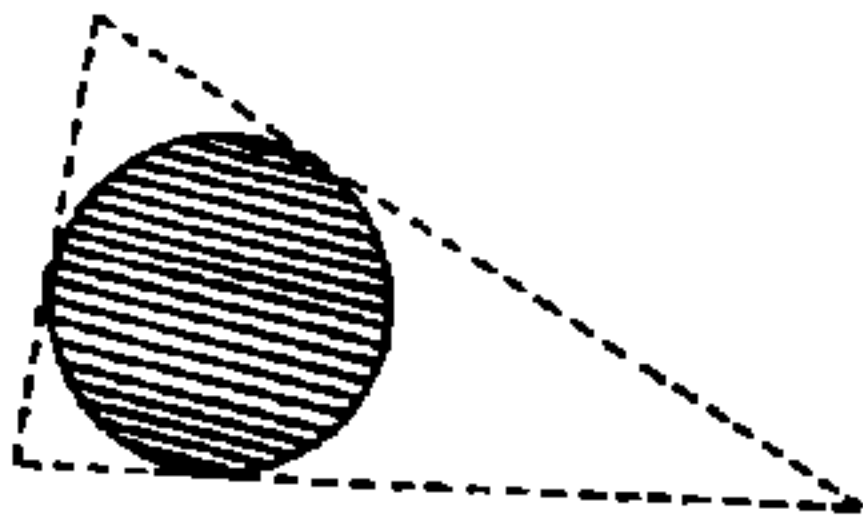
ماتریس وقوع - اگر گرافیکی متشکل از  $p$  رأس و  $q$  ضلع باشد ماتریس وقوع مربوطه عبارت است از یک ماتریس  $p \times q$  مانند  $[b_{ij}]$  بطوریکه  $b_{ij} = 1$  اگر رأس  $i$  بر ضلع  $j$  واقع باشد و در غیر این صورت  $b_{ij} = 0$

Incident واقع - حادثه

Incidentally اتفاقاً

Incircle of triangle

دایره محاطی داخلی مثلث



Inclinable تعایل پذیر

Inclination میل - شیب - تعایل

Inclination of a line in a plane

شیب یک خط واقع در صفحه

Inclination of a line in space

شیب خط در فضا - شیب یک خط فضائی

Inclination of a plane

شیب یک صفحه

Inclinator متعایل - تعایل پذیر

Incline

شیب دادن - منحرف شدن - متعایل کردن

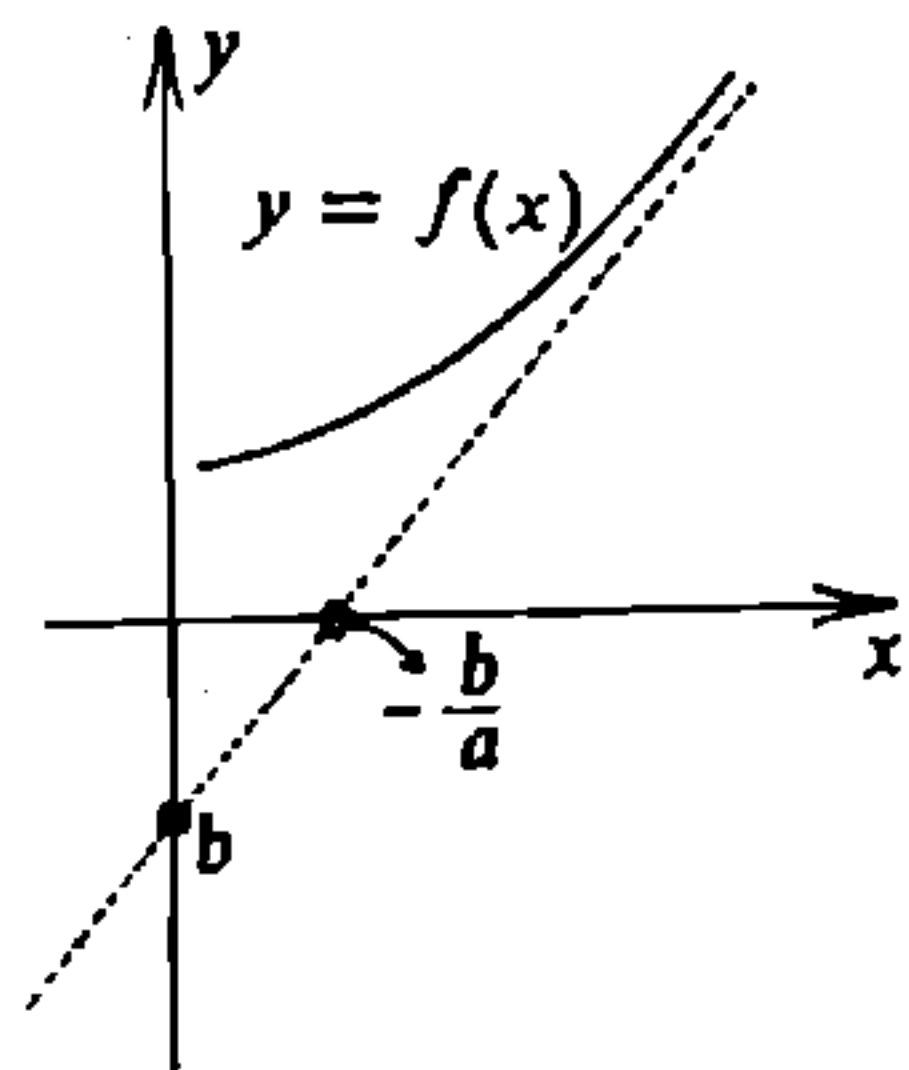
Inclined مورب - شیب دار

Inclined asymptote

مجانب مایل - اگر به ترتیب حدود:

$$b = \lim_{x \rightarrow +\infty} [f(x) - ax] \quad \text{و} \quad a = \lim_{x \rightarrow +\infty} \frac{f(x)}{x}$$

موجود و متناهی باشند آنگاه منحنی  $y = f(x)$  هنگامی که  $x \rightarrow +\infty$  دارای مجانب به معادله  $y = ax + b$  است که اگر  $a \neq 0$ ، مجانب اخیر مایل خواهد بود. مطالب مشابهی برای حالتی که  $x \rightarrow -\infty$  برقرار است.



Inclined plane

سطح شیب دار - سطح مایل

Inclinometer شیب سنج

Include

شامل شدن - در برداشتن - شامل بودن

Including شامل

Inclusion مشمول

Inclusion relation رابطه مشمول

Inclusive شامل - مشمول

Inclusive «or»

یا، منطقی - یا به معنی منطقی

Incommensurability

بیان ناپذیری طولهای دوپاره خط بسویله

اعداد گویا نسبت به هر مقیاس طول

## Incommensurable

بی مقیاس مشترک - نامتوافق - دو پاره خط را متوافق می‌نامیم هرگاه با انتخاب یک واحد مناسب هر دو را بتوان بوسیلهٔ اعداد گویا بیان کرد.

## Incommutable

تعویض ناپذیر -

جابجائی ناپذیر - غیر جابجائی

## Incomparable

قیاس ناپذیر - بی قیاس - ناسنجیدنی

## Incompatibility

ناسازگاری

## Incompatible

ناسازگار - ناهمساز - متناقض

## Incompatible equations

معادلات ناسازگار - دو یا چند معادله که به ازاء هیچ مقداری از مجهولات برقرار نباشند، مانند  $x + y = 2$ ،  $x + y = 3$

## Incomplete

ناقص - ناتمام

## Incomplete beta function

تابع بتای غیر کامل - تابع

$$B_x(m, n) = \int_0^x t^{m-1} (1-t)^{n-1} dt$$

$$(m > 0, n > 0, 0 \leq x \leq 1)$$

## Incomplete gamma function

تابع گامای غیر کامل - هر یک از دو تابع زیر را تابع گامای غیر کامل می‌نامند:

$$\gamma(a, x) = \int_0^x t^{a-1} e^{-t} dt$$

$$\Gamma(a, x) = \int_x^\infty t^{a-1} e^{-t} dt$$

$$(x > 0; a \neq 0, -1, -2, \dots)$$

## Incompletely specified

بطور ناقص تعیین شده

## Inconceivable

غیر قابل تصور - غیر قابل فهم

## Incongruent

غیر همبشت - اگر  $a$  و  $b$  اعداد صحیحی بوده و  $n$  عددی طبیعی باشد بطوریکه  $n \nmid (a-b)$  آنگاه  $a$  و  $b$  را غیر همبشت به هنگ  $n$  گوئیم.

## Inconsiderable

بی اهمیت - ناچیز - جزئی

## Inconsistency

ناسازگاری - تباین

## Inconsistent

ناسازگار - نامتوافق - متناقض

## Inconvertible

تبدیل ناپذیر

## Incorporate

یکی کردن - تلفیق کردن

## Incorporation

تلفیق - ترکیب

## Incorrectness

نادرستی

## Increasable

قابل افزایش - افزایش پذیر

## Increase

نمو کردن - صعود کردن -

افزایش یافتن - افزایش

## Increasing

صعودی - افزایشی

## Increasing sequence

رشته صعودی - دنباله صعودی

## Increment

نمو - رشد

## Incremental

نموی - افزایشی

## Incremental of a function

نمو یک تابع

## Increment of a variable

نمو یک متغیر

Increment of  $x$  ( $\Delta x$ )

نمو  $x$

Incurvate

بداخل خمیده - بداخل خمیدن

Incurvation

بداخل خمیدگی

Indefinable

غیر قابل تعریف

Indefinite

نامعین - نامشخص

Indefinite description

شرح نامشخص

Indefinitely

بطور نامعین

Indefiniteness

ابهام

Indent

کنگره دار کردن - دنداندار کردن

Indentation

کنگره - دندان

Indented

کنگره دار - دندانهای

Independence

استقلال - ناوابستگی

Independent

مستقل - ناوابسته

Independent axioms

اصول مستقل - یک مجموعه اصول را مستقل

گویند هرگاه هیچیک از آنها را نتوان به صورت

قضیهای بر مبنای اصول دیگر ثابت کرد.

Independent equations

معادلات مستقل - دستگاهی از معادلات

بطوریکه هیچیک از آنها از سایر معادلات

نتیجه نگردد.

Independent event

پیشامد مستقل

Independent functions

توابع مستقل - مجموعه‌ای از توابع بطوریکه

حداقل در یک نقطه با در دست داشتن

کلیه مقادیر توابع، جز یکی از آنها، نتوان

مقدار تابع باقیمانده را بدست آورد.

Independent of the path

مستقل از مسیر

Independent random variables

متغیرهای تصادفی مستقل - متغیرهای تصادفی

 $X_1, \dots, X_n, X$  با تابع چگالی احتمالتوأم  $f(x_1, \dots, x_n)$  را مستقل گویند هرگاه: $f(x_1, x_2, \dots, x_n) = f_1(x_1)f_2(x_2) \dots f_n(x_n)$ که در آن  $f_i(x_i)$  تابع چگالی احتمال  $x_i$  است

Independent set of functions

مجموعه مستقل توابع

Independent trials

آزمایشهای مستقل

Independent variable

متغیر مستقل - شناسه - در معادله  $y = f(x)$ متغیر  $x$  را متغیر مستقل می‌نامند.

Indestructibility

پایداری - فنا ناپذیری - استواری

Indestructible

فنا ناپذیر - تخریب ناپذیر

In detail

با ذکر جزئیات

Indeterminacy

ابهام

Indeterminate

مبهم - نامعین - نامشخص

Indeterminate equations

معادلات مبهم - یک دستگاه معادلات را که

دارای بی نهایت جواب باشد مبهم

می‌خوانند.

Indeterminate forms

صور مبهم - عباراتی بصورت:

 $\infty - \infty, \infty/\infty, 0/\infty, \infty/0, 0/0$ 

Indeterminate quantity

کمیت مبهم

Indetermined

مبهم - نامعین

Index	اندیس - زیرنویس - شاخص - فرجه - فهرست - اندیس گذاشتن - زیرنویس گذاشتن	Indirect method	روش غیر مستقیم
Index of a permutation	شاخص یک جایگشت	Indirect proof	اثبات غیر مستقیم
Index of a radical	فرجه، رادیکال	Indiscernibility	ناگستگی
Index of a subgroup	شاخص یک زیر گروه - اگر $H$ زیر گروه $G$ باشد آنگاه تعداد همدمته های راست ( یا چپ ) $H$ در $G$ را اندیس $H$ در $G$ می گویند؛ در حالتی که $G$ متناهی باشد اندیس $H$ در $G$ عبارت است از نسبت $\frac{O(G)}{O(H)}$ که در آن $O(G)$ و $O(H)$ به ترتیب تعداد اعضای $G$ و $H$ می باشند.	Indiscernible	گسته نشدنی
Index of summation	اندیس جمع بندی - در عبارت $\sum a_i$ را اندیس جمع بندی می گویند.	Indiscrete	ناگسته
Indicate	نشان دادن - ذکر کردن - اشاره کردن - مشخص کردن	Individual	فرد - فردی
Indication	نشان - اشاره - دلالت - نشانه	Indivisibility	بخش ناپذیری
Indicator	شاخص - معرف - نشانگر	Indivisible	بخش ناپذیر - غیر قابل تقسیم - تقسیم نشدنی
Indicator of an integer	معرف یک عدد صحیح	Induce	انگیختن - القا کردن - موجب شدن
Indices	اندیسها - زیرنویسها - زیر نگاشتها	Induced	القا شده - انگیخته
Indirect	غیر مستقیم	Induced operation	عمل القا شده
Indirect control	کنترل غیر مستقیم	Inducement	موجب - القاء - انگیزش
Indirect jump	جهش غیر مستقیم	Induct	هدایت کردن - القاء کردن
Indirect measurment	اندازه گیری غیر مستقیم	Inductance	خود القایی - خود القاء
		Induction	استقراء
		Induction mathematics	ریاضیات استقرائی
		Induction property	خاصیت استقرائی
		Inductive	استقرائی
		Inductive assumption	فرض استقرائی
		Inductive definition	تعریف استقرائی
		Inductive hypothesis	فرض استقرائی
		Inductive proof	اثبات استقرائی
		Inductor	القاء کننده - سلف
		Inequal	نامساوی - نابرابر
		Inequality	نامساوی - نابرابری - عدم تساوی



Inequilateral      مختلف الاضلاع  
 Inequivalence      ناهم ارزی  
 Inertia      اینرسی - ماند  
 Inertial      جبری - خاصیت جبری - قوه جبری  
 Inessential      غیر ضروری - غیر اساسی  
 Inexact      نادقیق  
 Inextensibility      انبساط ناپذیری  
 Infer      استنتاج کردن - استنباط کردن -  
 پی بردن به - حدس زدن - اشاره کردن به  
 Inference      استنتاج  
 Inferior      پائینی - اسفل  
 Inferior point      نقطه اسفل - نقطه پائینی  
 Infimum      اینفیموم - بزرگترین کرانه پائینی  
 Infinite      بی پایان - نامتناهی - بی نهایت  
 Infinite branch of a curve      شاخه نامحدود یک منحنی  
 Infinite cardinal number      عدد اصلی نامتناهی  
 Infinite collection      مجموعه نامتناهی -  
 کلکسیون نامتناهی - گردآیه نامتناهی  
 Infinite decimal fraction      کسر اعشاری نامتناهی  
 Infinite decimal representation      نمایش اعشاری نامتناهی  
 Infinite descent      نزول نامتناهی  
 Infinite dimensional      با بعد نامتناهی - نامتناهی البعد

Infinite dimensional space      فضای با بعد نامتناهی - فضای نامتناهی البعد  
 Infinite discontinuity      ناپیوستگی نامتناهی  
 Infinite integral      انتگرال نامتناهی - انتگرالی که حداقل یکی از حدود آن بی نهایت باشد  
 Infinite interval      فاصله نامحدود  
 Infinite limits      حدود نامتناهی  
 Infinitely      بی نهایتا  
 Infinitely great      بی نهایت بزرگ  
 Infinitely large      بی نهایت بزرگ  
 Infinitely many times      بی نهایت بار  
 Infinitely small      بی نهایت کوچک  
 Infinitely small quantity      کمیت بی نهایت کوچک  
 Infinite point      نقطه نامتناهی  
 Infinite product      حاصلضرب بی پایان  
 Infinite product of topological spaces      حاصلضرب بی پایان فضاهاى توپولوژیک  
 Infinite root      ریشه بی نهایت  
 Infinite series      سلسله نامتناهی - عبارتی به صورت  $a_1 + a_2 + a_3 + \dots$  یا  $\sum_{i=1}^{\infty} a_i$   
 Infinite set      مجموعه نامتناهی - مجموعه‌ای که با یک زیر مجموعه سره خود تناظر یک به یک داشته باشد  
 Infinitesimal      بی نهایت کوچک

Infinitesimal analysis

آنالیز بی نهایت کوچکها

Infinities

بی نهایت ها

Infinitude

حالت یا کیفیت نامتناهی بودن -  
لاپتناهی - عدد بی نهایت - کمیت غیر  
نمارش پذیر

Infinitude of primes

نامتناهی بودن اعداد اول

Infinity

بی نهایت

Infinity in  $C^0$

بی نهایت در

دستگاه اعداد مختلط بسط یافته

Infinity in  $R^0$

بی نهایت در

دستگاه اعداد حقیقی بسط یافته

Infix

میانوند

Inflection (inflexion)

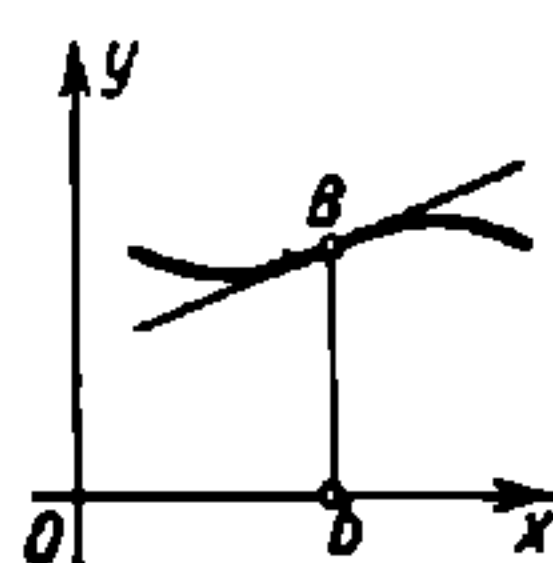
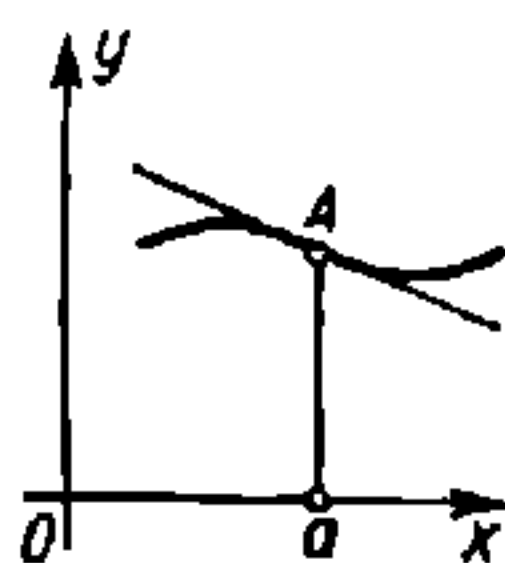
عطف - خمش - خمیدگی

Inflectional

عطفی

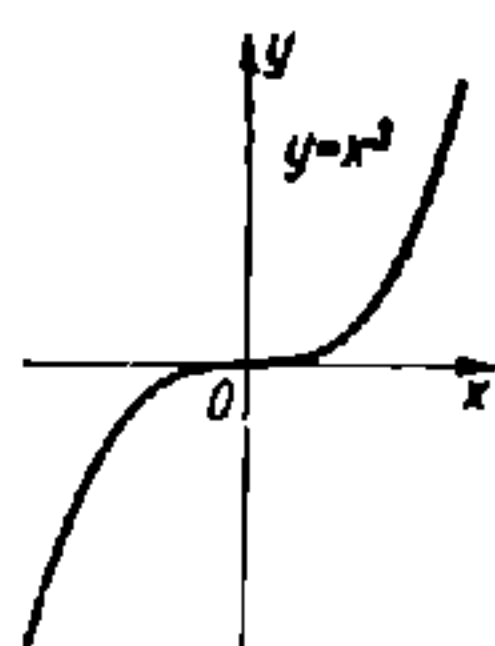
Inflectional tangent to a curve

مماس بر منحنی در نقطه عطف



Inflection point

نقطه عطف



Inflexible

غیر قابل انحاء - خم نشدنی

Inflection point

نقطه عطف

Influence

اثر

Inform

آگاه ساختن - مطلع کردن

Informatics

انفورماتیک - خودکاری آگاهانه

Information bits

ذره های اطلاعات

Information content

مضمون اطلاعات

Information feedback

بازگشت اطلاعات - باز خور اطلاعات

Information flow

گردش اطلاعات - جریان اطلاعات

Information interchange

تبادل اطلاعات

Information link

پیوند اطلاعات - بهم پیوستن اطلاعات

Information processing

پردازش اطلاعات

Information retrieval

بازیابی اطلاعات - دوباره بدست آوردن  
اطلاعات

Information source

منبع اطلاعات

Information system

دستگاه اطلاعات

Informatique

انفورماتیک - خودکاری آگاهانه

Informed

آگاه - مطلع - با خبر

Informant

مخبر - خبر دهنده

Infra

مادون - پائین

Infra - red

مادون قرمز

In general	بطور کلی	In itself	بخودی خود
Ingredient		Injection	انژکسیون - تابع یک به یک
	جز - جز - ترکیبی - (در جمع: اجزاء - عوامل - عناصر)	Injective	انژکتیو - یک به یک
Inheritance	میراث	Inner	داخلی - درونی
Inhibit	جلوگیری کردن - نهی کردن	Inner automorphism	اتومرفیسم درونی - اگر $G$ یک گروه و $g \in G$ باشد، در آن صورت نگاشت $T_g: G \rightarrow G$ با ضابطه $T_g(x) = g^{-1}xg$ ( $\forall x \in G$ ) یک اتومرفیسم $G$ است که آنرا یک اتومرفیسم درونی $G$ می نامند.
Inhibition	منع - جلوگیری	Inner measure	سنج درونی
Inhomogeneity	ناهمگنی	Inner product	ضرب داخلی - حاصلضرب داخلی - فضای برداری $V$ روی هیئت $F$ را که در آن $F$ هیئت اعداد حقیقی یا مختلط است در نظر می گیریم. گوئیم تابع:
Inhomogeneous	ناهمگن - غیر همگن		$\langle \cdot, \cdot \rangle : V \times V \rightarrow F$
Initial	آغازی - ابتدائی - بدوی - نخستین - اولیه - اصلی		یک ضرب داخلی روی $V$ است، هرگاه به ازاء هر $x$ و $y$ و $z$ از $V$ و هر $a$ و $b$ از $F$ داشته باشیم:
Initial and terminal lines	خطوط آغازی و پایانی		(۱) $\langle x, y \rangle = \overline{\langle y, x \rangle}$
Initial basis	پایه اصلی - پایه استاندارد		(۲) $\langle x, x \rangle = 0 \iff x = 0$
Initial conditions	شرایط آغازین - شرایط ابتدائی		(۳) $\langle ax + by, z \rangle = a \langle x, z \rangle + b \langle y, z \rangle$
Initially	در آغاز - در ابتدا		(۴) $\langle x, y \rangle = \langle y, x \rangle$
Initial point	نقطه ابتدائی - نقطه آغاز	Inner product of two functions	حاصلضرب داخلی دو تابع - حاصلضرب داخلی توابع مختلط $f$ و $g$ بر مجموعه $E$ عبارتست از:
Initial state	حالت آغازی		$\langle f, g \rangle = \int_E f(x) \overline{g(x)} dx$
Initial value	مقدار اولیه	Inner product space	فضای ضرب داخلی - فضایی برداری که
Initial - value problem	مسئله مقدار اولیه - یک معادله دیفرانسیل درجه $n$ ام عادی یا پاره ای که در آن جواب و مشتقات تا مرتبه $(n-1)$ ام آن باید در نقطه ای بخصوص دارای مقادیر معلومی باشند.		
Initial velocity	سرعت اولیه		
Initiate	آغاز کردن - پراه انداختن		

روی آن یک ضرب داخلی تعریف شده باشد.	Instant	دم - لحظه - آن
Inner region	ناحیه داخلی	Instantaneous mean
Innovate	نوآوری کردن	میانگین لحظه ای
Innovation	نوآوری - ابداع	Instantaneous rate
Innumerable	بیشمار	نسبت لحظه ای - نرخ لحظه ای
Innumerably	بطور بیشمار	Instantaneous rate of change
Innumerable	بیشمار	میزان لحظه ای تغییر - نرخ لحظه ای تغییر
In other words		Instantaneous velocity
		سرعت لحظه ای
به عبارت دیگر - به بیانی معادل		
Input	ورودی	Instead
Inradius		بجای
شعاع دایره یا کره محاطی داخلی یکچند		Instead of
ضلعی یا چند وجهی محیطی		بجای - در عوض
Inscribable	قابل محاط - محاط شدنی	Insulate
Inscribe	محاط کردن	مجزا کردن - جدا کردن
Inscribed		Insulation
		جدا سازی
محاطی - محاط شده - محاط		In summary
Inscribed angle	زاویه محاطی	بطور خلاصه
Inscribed circle	دایره محاطی	Integer
Inscribed circle of a polygon		عدد صحیح - عدد درست
دایره محاطی یک چند ضلعی		Integer number
Inscribed circle of a triangle		عدد صحیح
دایره محاطی یک مثلث		Integer part
Inscribed polygon	چند ضلعی محاطی	قسمت صحیح
		Integrability
Inseparable	جدا ناشدنی	انتگرال پذیری
درج کردن - جایگزین کردن		Integrable
Insert	درج - جایگزینی	انتگرال پذیر
Inside	داخل - درون - تو	Integrable function
In some areas	در پاره ای موارد	تابع انتگرال پذیر
Instalment	قسط	Integral
		انتگرال - صحیح - تام - تمام - کامل
		Integral calculus
		حساب انتگرال
		Integral curves
		منحنی های انتگرال - منحنی های جواب
		یک معادله دیفرانسیل
		Integral depending on a parameter
		انتگرال وابسته به یک پارامتر
		Integral domain
		حوزه صحیح - میدان درست - حلقه ای

جابجائی که به ازاء هر  $x$  و  $y$  از آن اگر  
 $xy = 0$  آنگاه  $y = 0$  یا  $x = 0$ .

Integral equation معادله انتگرال

Integral function

تابع تام - تابع مختلطی که در تمام صفحه  
 مختلط تحلیلی است.

Integral index اندیس صحیح

Integrally بطور کلی

Integral number عدد صحیح

Integral operator

اپراتور انتگرال - عملگر انتگرال

Integral part جزء صحیح

Integral power

توان صحیح - قوه صحیح

Integral representation

نمایش انتگرالی

Integral representation for

Riemann zeta function

نمایش انتگرالی برای تابع زتای ریمان - اگر  
 $s > 1$  و باشد آنگاه:

$$\zeta(s)\Gamma(s) = \int_0^\infty \frac{x^{s-1}}{e^x - 1} dx$$

که در آن  $\zeta$  و  $\Gamma$  به ترتیب نمایشگر تابع  
 زتای ریمان و تابع گاما می باشند.

Integral root ریشه صحیح

Integral symbol ( $\int$ )

علامت انتگرال

Integral test

آزمون انتگرال - اگر  $f: (1, \infty) \rightarrow R$  تابعی  
 نامنفی و ناصعودی باشد آنگاه  $\sum_{n=1}^\infty f(n)$   
 و  $\int_1^\infty f(x) dx$  همرفتارند.

Integral transformation

تبدیل انتگرال - تبدیل انتگرال تابع  
 $F(x)$  که روی فاصله  $[a, b]$  تعریف شده  
 است بصورت:

$$f(y) = \int_a^b K(x, y) F(x) dx$$

داده می شود، که  $K: [a, b] \times [c, d] \rightarrow R$   
 یک تابع مشخص است.

Integral value مقدار صحیح

Integral with respect to  $X$

انتگرال نسبت به  $X$

Integrand تابع زیر انتگرال

Integrand

مکمل - جزء یکپارچه - مؤلفه - عنصر

Integrant

انتگراف - وسیله ای که بطور مکانیکی  
 نمودار منحنی تابع اولیه یک تابع داده شده  
 را رسم می کند.

Integrate

انتگرال گرفتن - بدست آوردن تابع اولیه -  
 جمع کردن

Integrating انتگرال گیری

Integrating factor فاکتور انتگرال

Integration انتگرال گیری

Integration by parts

انتگرال گیری جزء به جزء - اگر مشتقات  
 توابع  $f$  و  $g$  بر  $[a, b]$  انتگرال پذیر باشند  
 آنگاه:

$$\int_a^b f(x)g'(x)dx =$$

$$= f(b)g(b) - f(a)g(a) - \int_a^b f'(x)g(x)dx$$

Integration factor

عامل انتگرال - فاکتور انتگرال - عاملی که

با ضرب آن در طرفین معادله دیفرانسیلی که طرف راست آن صفر است طرف چپ معادله را به دیفرانسیل با مشتق کامل تبدیل کند.

Integrator انتگراتور — انتگرال گیر

Integri تمام — کامل

Integrodifferential equation

معادله انتگرو دیفرانسیل — معادله ای بین یک تابع، مشتقات و انتگرالهای آن

Intense شدید — متمرکز

Intensity شدت — تمرکز

Intensive

متمرکز — متوجه به یک نقطه — شدید

Intensive lines خطوط شدیداً — متمرکز

Inter بین — میان — در میان قرار دادن

Interaction

فعل و انفعال — اندرکنش — اثر متقابل

Interalia میان چند چیز دیگر

Intercept بازداشتن — حائل شدن —

جلوگیری کردن — محدود شدن بین دو نقطه، دو منحنی یا دو سطح.

بخش جدا شده — قسمتی از محورهای

مختصات که بین مبدا و نقطه تقاطع یک منحنی با محورهای مختصات واقع شده باشد.

Intercept elevation عرض از مبدا

Interceptor بازدارنده — حائل

Interception

برش — انقطاع — فصل — جلوگیری

Interceptor بازدارنده — حائل

Interchange

معاوضه — مبادله — معاوضه کردن — مبادله کردن

Interest بهره — تنزیل — سود

Interfere مداخله کردن

Interference تداخل (امواج)

Interior داخلی — درونی — داخل — درون

Interior angle

زاویه داخلی

۱ — زاویه بین دو ضلع مجاور یک چند ضلعی که در داخل چند ضلعی واقع شود.

۲ — در مورد دو خط و یک قاطع، زاویه بین قاطع و یکی از دو خط مزبور که در محدوده بین دو خط واقع شود.

Interior common tangent

ماس مشترک داخلی

Interior lebesgue measure

اندازه درونی لبگ — سنج درونی لبگ —

به مفهوم لبگ، اندازه درونی مجموعه

$S \subseteq R$  عبارتست از تفاضل طول فاصله ای

متناهی مانند  $(a, b)$  که در برگرفته  $S$  بوده

و اندازه خارجی متمم  $S$  نسبت به  $(a, b)$ .

Interior measure

سنج داخلی — اندازه داخلی

Interior point

نقطه داخلی — در فضای توپولوژیک  $(X, T)$

گوئیم  $x$  یک نقطه داخلی مجموعه  $S \subseteq X$

است، هرگاه:

$$\exists \theta \in T : x \in \theta \subseteq S$$

Interjacent میانی — واقع در میان

Intermediate value theorem

قضیه مقدار میانی — اگر  $f: [a, b] \rightarrow R$  تابعی

پیوسته بوده و  $f(a) \neq f(b)$  آنگاه به ازای هر  $k$

که بین  $f(a)$  و  $f(b)$  باشد نقطه ای مانند

$f(\xi) = k$   $a < \xi < b$  موجود است بطوریکه

Intermittent متناوب

In terms of بر حسب

Internal داخلی - درونی

Internal angle زاویه داخلی

Internal angle bisector

نیمساز زاویه داخلی

Internal bisector نیمساز داخلی

Internal common tangent

مماس مشترک داخلی

Internal direct product

حاصلضرب مستقیم درونی - اگر

$N_1, N_2, \dots, N_r$  زیر گروههای نرمالی

از گروه  $G$  باشند بطوریکه:

$$G = N_1 N_2 \dots N_r$$

۲ - هر عضو  $g$  از  $G$  بطور منحصر بفردی

به صورت  $g = m_1 m_2 \dots m_r$  تجزیه

شود،  $(m_i \in N_i)$ ، آنگاه  $G$  را حاصلضرب مستقیم

درونی  $N_1, N_2, \dots, N_r$  میگویند

Internal - external angles

زوایای داخلی - خارجی

Internal operation عمل داخلی

Internal tangent of two circles

مماس مشترک داخلی دو دایره

Interpolate

درونمایی کردن - واسطه یابی کردن

Interpolation

درون یابی - درون پویش - واسطه یابی

Interpret تعبیر کردن - تفسیر کردن

Interpretation تعبیر - تفسیر

Interquartile

بین چارکها - میان چارکی

Interrupt ایجاد وقفه کردن

Interruption انقطاع - وقفه

Intersect

برخوردن - قطع کردن - متقاطع بودن -

اشتراک داشتن - قطع کردن

Intersecting متقاطع

Intersection

تقاطع - مقطع - فصل مشترک - اشتراک

Intersection of two lines

تقاطع دو خط

Interspace

فاصله - حائل - جدا ساختن

Interspatial میان فضائی

Interstice

فضای واقع بین اشیاء نزدیک به هم

Interstitial

مربوط یا واقع در فضای بین اشیاء نزدیک به هم

Interval فاصله - بازه

Intervallic فاصله‌ای

Interval of constancy

فاصله تغییرناپذیری

Interval of convergence

فاصله همگرایی

Interval of integration

فاصله انتگرال گیری

Into به تو - غیر پوشا

Into mapping نگاشت غیر پوشا

Intra

داخل - در طی - پیشوندی به معنی داخل - تو

Intrinsic ذاتی - باطنی  
 Intrinsic equations of a curve معادلات ذاتی یک منحنی - معادلاتی که شعاع انحناء و تاب یک منحنی را بعنوان تابعی از طول قوس بیان می‌کنند .  
 این معادلات شکل منحنی را صرف نظر از موضع آن در فضا تعیین می‌کنند .  
 Intrinsic geometry هندسه ذاتی  
 Intrinsic geometry of a surface هندسه ذاتی یک رویه - توصیف خواص ذاتی یک سطح  
 Intrinsic properties of a curve خصوصیات ذاتی منحنی  
 Intrinsic properties of a surface خواص ذاتی یک رویه - خواصی از یک رویه که بدون مراجعه به فضای اطراف آن قابل بیان هستند.  
 Introduce معرفی کردن - آشنا کردن - مطرح کردن  
 Introduction مقدمه - پیش گفتار - دیباچه  
 Introductory مقدماتی  
 Intuition درک مستقیم - دریافت ناگهانی - بصیرت - بینش - شهود - اشراق  
 Intuitionism شهود گرایی  
 Intuitionistic شهودی - ادراکی - اشراقی  
 Intuitionistic mathematics ریاضیات شهودی  
 Intuitive دریافتی - شهودی - ادراکی  
 Intuitively بطور شهودی

Intuitive principle of abstraction اصل شهودی تجرید  
 Invalid نادرست - ناکافی - ضعیف  
 Invalidity عدم اعتبار - بی اعتباری  
 Invariable تغییر ناپذیر - نامتغیر - ثابت - پایا  
 Invariance پایایی - ثبات - ناوردائی - خاصیت پایا  
 Invariance under translation پایایی تحت انتقال  
 Invariant پایا - پایدار - تغییر ناپذیر - نامتغیر  
 Invariant direction امتداد پایا - امتداد تغییر ناپذیر  
 Invariant property خاصیت پایا - خاصیتی از یک فضا که تحت تأثیر خانواده‌ای از تبدیلات بی تغییر می‌ماند .  
 Invent اختراع کردن - جعل کردن - ابداع کردن  
 Inventive اختراعی - ابداعی  
 Inventor مخترع - جاعل  
 Inverse معکوس - عکس - وارون - قرینه  
 Inverse element عنصر وارون - در گروه  $(G, *)$  با عنصر بی اثر  $e$  گوئیم  $b$  وارون  $a$  است هرگاه :  

$$a * b = b * a = e$$
  
 Inverse formula فرمول معکوس  
 Inverse function تابع وارون - تابع معکوس - اگر  $f: A \rightarrow B$  تابعی دوسوئی باشد، آنگاه تابع  $g: B \rightarrow A$



را که به هر عنصر  $b$  از  $B$  عنصر  $a$  از  $A$  با ضابطه  $f(a) = b$  را نظیر می‌کند تابع معکوس  $f$  می‌نامند.

Inverse function theorem

قضیه، تابع وارون - قضیه، تابع معکوس - اگر تابع  $f: R^n \rightarrow R^n$  در یک مجموعه، باز شامل  $a$  بطور پیوسته مشتق پذیر بوده و ژاکوبین  $f$  در  $a$  مخالف صفر باشد، آنگاه مجموعه‌های باز  $V$  و  $W$  به ترتیب شامل  $a$  و  $f(a)$  موجودند بطوریکه  $f: V \rightarrow W$  دارای وارون مشتق پذیر  $f^{-1}: W \rightarrow V$  می‌باشد.

Inverse hyperbolic functions

توابع هذلولوی معکوس - توابع معکوس هیپربولیک

Inverse image تصویر معکوس

Inverse image of... under

تصویر معکوس... تحت

Inversely برعکس - بطور معکوس

Inversely proportional

معکوساً " متناسب

Inversely similar

معکوساً " مشابه - معکوساً " مشابه

Inverse mapping نگاشت وارون

Inverse matrix

ماتریس وارون - وارون ماتریس نامنفرد  $A$  ماتریسی است مانند  $A^{-1}$  بطوریکه:

$$A \cdot A^{-1} = A^{-1} \cdot A = I$$

Inverse of a function معکوس یک تابع

Inverse of a number

وارون یک عدد - معکوس یک عدد

Inverse of a proposition

نقیض یک گزاره

Inverse operation عمل معکوس

Inverse operator عملگر وارون

Inverse points

نقاط منعکس - زوجی از نقاط واقع بر قطر یک دایره یا یک کره، بطوریکه حاصلضرب فواصل آن نقاط از مرکز برابر با مربع شعاع باشد.

Inverse proportion تناسب معکوس

Inverse ratio

کسر معکوس - نسبت معکوس

Inverse relation

رابطه معکوس - نسبت معکوس

Inverse trigonometric functions

توابع مثلثاتی معکوس

Inverse variation

تغییر به نسبت عکس

Inversion قلب - انعکاس - وارونی

Inversion formulas

فرمولهای انعکاس

Invert

وارون کردن - معکوس کردن - عکس کردن - معکوس

Inverted معکوس شده - عکس شده

Inverter عکس کننده

Invertibility وارون پذیری

Invertible وارون پذیر - معکوس شدنی

Investigate

پژوهیدن - بازجوئی کردن - واری کردن - تحقیق کردن

Investigation

پژوهش - مطالعه - بررسی

Investigator	پژوهشگر - محقق - بازجو	تحویل ناپذیر بدست می‌آید .	
Invisible	نامرئی	Irreducible form	صورت تحویل ناپذیر - صورت ساده‌نشدنی
Invoice	صورت حساب	Irreducible polynomial	چند جمله‌ای تحویل ناپذیر - چند جمله‌ای
Involute	گسترده		$P(x) \in F[x]$ را هر هیئت $F$ تحویل
Involve	شامل شدن - متضمن بودن - ایجاد کردن - مستلزم بودن		ناپذیر گوئیم هرگاه به ازای هر $a(x), b(x) \in F[x]$ اگر $P(x) = a(x)b(x)$
Inward	درون‌گرا - بطرف داخل		آنگاه درجه، یکی از چند جمله‌ای‌های $a(x)$ یا $b(x)$ صفر باشد .
Inward vector	بردار درون‌گرا	Irreflexive	نامنعکس
Irrationable	نامتناسب - نامستدل	Irregular	بی قاعده - غیر عادی - نامنظم
Irrational	اصم - گنگ	Irregular polygon	چند ضلعی غیر منتظم
Irrational equation	معادله، اصم - معادله‌ای که دارای مجهولی بوده بطوریکه آن مجهول به قوای عددی کسری رسیده باشد .	Irremovable	انتقال ناپذیر
Irrational exponent	نمای گنگ - توان گنگ	Irremovable discontinuity	ناپیوستگی رفع ناشدنی
Irrationality	گنگی	Irrotational	بیچرخش - غیر چرخشی
Irrational number	عدد اصم - هر عدد حقیقی که به صورت $\frac{m}{n}$ ( $n \neq 0$ ; $m, n \in \mathbb{Z}$ ) قابل بیان نیست، مانند اعداد $\sqrt{2}$ ، $e$ و $\pi$	Irrotational vector field	میدان برداری غیر چرخشی - میدان برداری که کرل آن صفر است، چنین میدان برداری گرادینان یک تابع اسکالر می‌باشد .
Irrational root	ریشه، اصم	... Is contained in ...	... در ... جای دارد - ... محتوای ... است .
Irreducibility	تحویل ناپذیری - کاهش ناپذیری		
Irreducible	ساده‌نشدنی -	Isochronous	همزمان
	تحویل ناپذیر - تجزیه ناپذیر - کاهش نیافتنی	Isochronous curve	منحنی همزمان
Irreducible equation	معادله، تحویل ناپذیر - معادله‌ای که از مساوی صفر قرار دادن یک چند جمله‌ای	Isoclinal	هم شیب - هم شیبی
		Isocline	هم شیب
		Isodiametric	متساوی‌القطر

Isogonal

هم زاویه - دارای زاویه های برابر

Isogonal line

خط فرضی و یا خطی بر روی نقشه جغرافیائی که نقاطی بر روی سطح کره زمین با انحراف مغناطیسی یکسان را بهم وصل می کند

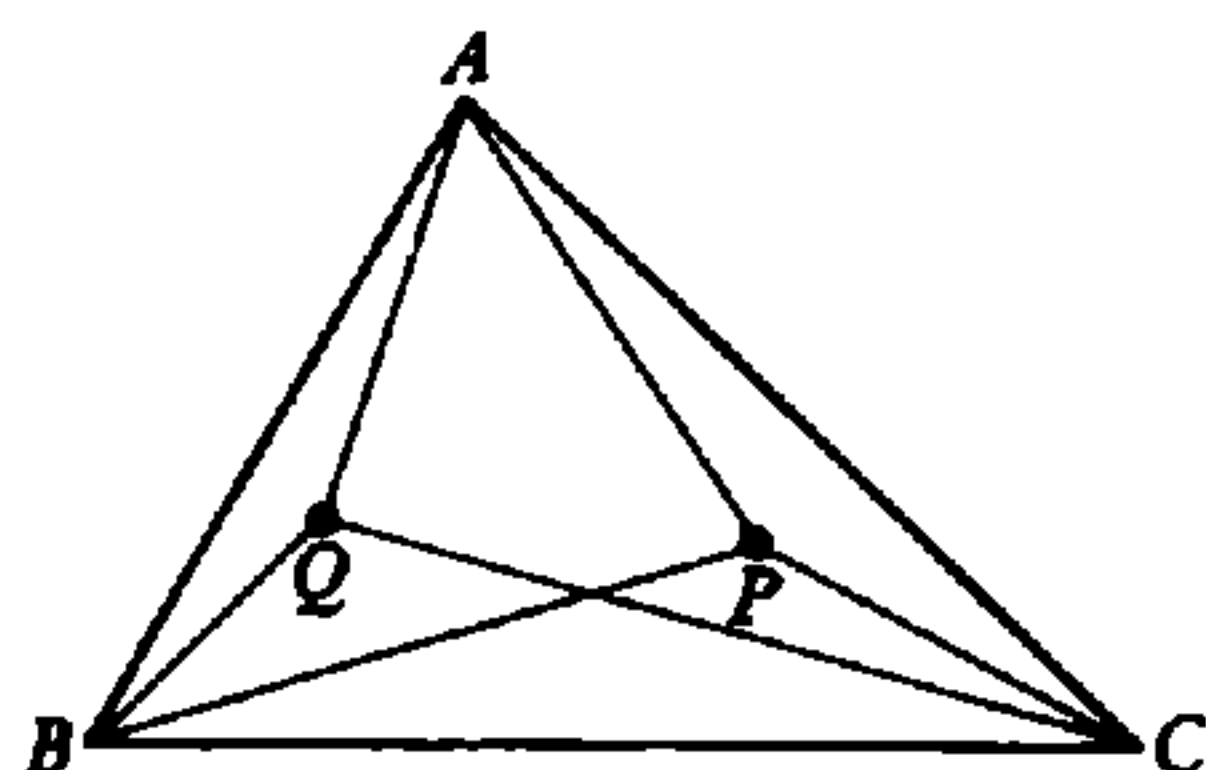
Isogonally conjugate points

نقاط مزدوج هم زاویه ای - نقاط  $P$  و  $Q$  واقع بر صفحه مثلث  $ABC$  را مزدوج هم زاویه ای نسبت به مثلث مزبور گوئیم هرگاه:

$$\angle BAP = \angle QAC$$

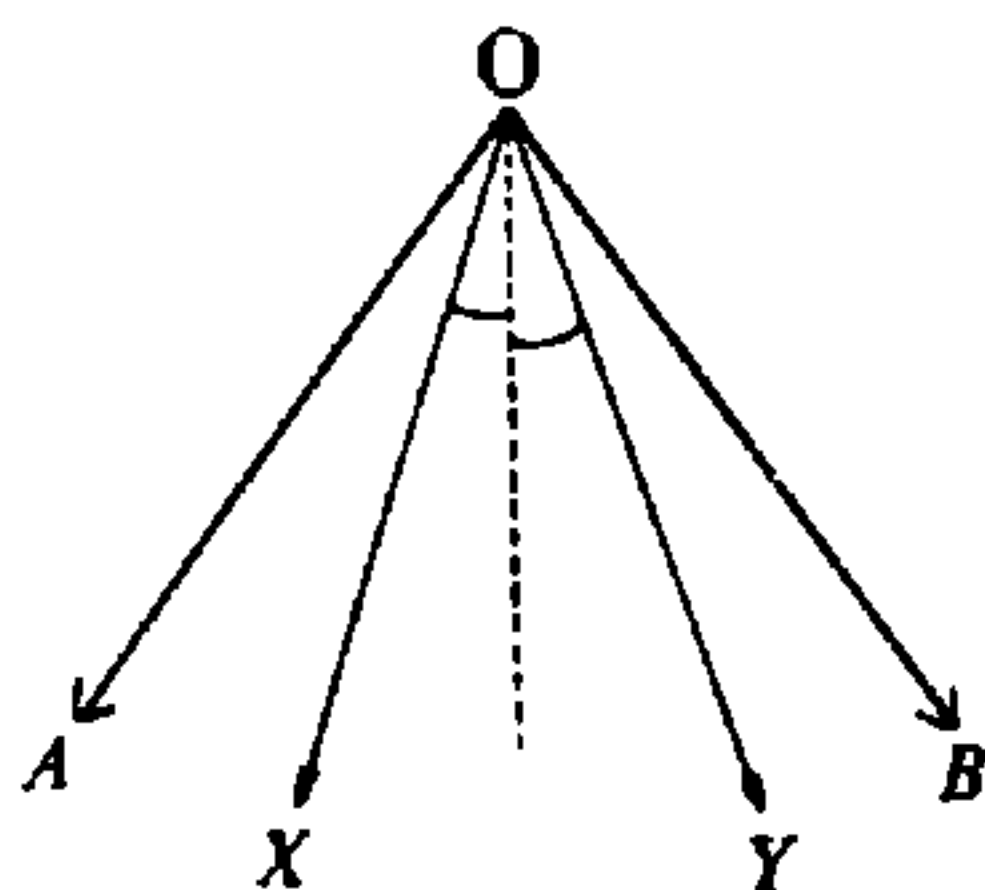
$$\angle CBP = \angle QBA$$

$$\angle ACP = \angle QCB$$



Isogonal rays

نیم خطهای متساوی الزاویه - دو نیم خط  $OX$  و  $OY$  را نسبت به زاویه  $\angle AOB$  متساوی الزاویه گویند هرگاه  $OX$  و  $OY$  نسبت به نیمساز  $\angle AOB$  قرینه یکدیگر باشند.



Isogonic

متساوی الزوایا

Isolate جدا کردن - مجزا کردن

Isolated منزوی - منفرد - جدا - تنها

Isolated point

نقطه منفرد - در یک فضای توپولوژیک گوئیم  $P$  یک نقطه منفرد مجموعه  $S$  است هرگاه:

$$P \in S - 1$$

۲ - یک همسایگی از  $P$  موجود باشد که شامل هیچ نقطه دیگری از  $S$  نباشد.

Isolated set

مجموعه منفرد - مجموعه ای که از نقاط منفرد تشکیل شده است.

Isomer

هم ترکیب - هم فرمول - ایزومر

Isomerism هم ترکیبی - هم فرمولی

Isometric هم مقیاس - ایزومتریک

Isometric projection

تصویر هم مقیاس

Isometry

ایزومتري - تبدیل حافظه طول - فرض می کنیم  $(X, dx)$  و  $(Y, dy)$  دو فضای متریک باشند.

تابع دوسوئی  $f: X \rightarrow Y$  را یک ایزومتري گوئیم هرگاه به ازاء هر  $x, y \in X$

$$dy(f(x), f(y)) = d_x(x, y)$$

Isomorph هم ریخت - همان - ایزومورف

Isomorphic

هم ریخت - همسان - ایزومورفیک

Isomorphism

یکسانی - تابعی دوسوئی از یک ساختمان جبری به یک ساختمان جبری دیگر از همان

نوع که تمام عملیات جبری را حفظ می‌کند .

Isomorphous

هم‌ریخت - هم‌شکل - همسان

Isomorphy ایزومورفی - هم‌ریختی

Isoperimetric

هم‌پیرامون - متساوی‌المحیط

Isoperimetrical

متساوی‌المحیط - هم‌پیرامون

Isoperimetric figures

اشکال هم‌پیرامون

Isoperimetric inequality

نامساوی هم‌پیرامونی . اگر  $A$  مساحت یک منحنی مسطحه، بسته و  $I$  پیرامون آن باشد آنگاه

$$A \leq \frac{1}{4\pi} I^2$$

تساوی فوق در حالتی برقرار است که منحنی دایره باشد .

Isoperimetric problem

مسئله هم‌پیرامونی - در بین تمام اشکال مسطح هم‌پیرامون، دایره بیشترین مساحت را داراست و در بین کلیه احجام که سطح کل آنها مساوی است، کره دارای بیشترین حجم است .

Isosceles متساوی‌الساقین

Isosceles trapezoid

دوزنقه متساوی‌الساقین

Isosceles triangle

مثلث متساوی‌الساقین

Isothere

ایزوتر - منحنی واقع روی نقشه جغرافیایی سطح زمین که تمام نقاط آن دارای میانگین

حرارت تابستانی یکسان باشند .

Isothermal هم‌دما

Isothermal conjugate system of curves on a surface

دستگاه مزدوج منحنی‌های هم‌دما روی یک سطح

Isothermal lines خطوط هم‌دما

Isothermic هم‌دما

Isothermic family of curves on a surface

دسته منحنی‌های هم‌دما روی یک سطح

Isothermic system of curves on a surface

دستگاه منحنی‌های هم‌دما روی یک سطح

Isotone

اتمهایی که هسته آنها حاوی تعدادی مساوی نوترون باشند .

Isotrope متحد‌الخواص - ایزوتروپ

Isotropic همگن

Isotropic curve

منحنی همگن - منحنی ایزوتروپ

Isotropic plane

صفحه ایزوتروپ - صفحه‌ای که تمام نقاط آن دارای یک خاصیت فیزیکی باشند .

Isotropy ایزوتروپی - متحد‌الخواصی

Issue

انتشار دادن - ناشی شدن - صادر شدن -

موضوع - شماره - عمل - نتیجه بحث

Item فقره - بخش - قلم

Itemize

قلم به قلم نوشتن - جز به جز تجزیه و

تحلیل کردن - جز' به جز' مشخص کردن -

جز' به جز' مرتب کردن

Iterate تکرار کردن

Iterated مکرر

Iterated integration

انتگرال گیری مکرر

Iterated limit حد مکرر

Iterated series

سری های مکرر - سلسله های مکرر

Iteration تکرار

Iterative مکرر - تکراری

Iterative method

روش مکرر - روش تکرار - هر فرآیند پی در

پی در مورد مسائلی از قبیل حل معادلات

جبری ، معادلات دیفرانسیل یا درونیایی

مقادیر یک تابع را یک روش مکرر می گویند.

